



# پيام سياسي هککل

سال پنجم، شماره ۲۸

نشریه سياسي - تئوريک سازمان ۱۹ بهمن

تير ۱۳۹۴

سرمقاله

## پايان سگانسى طولانى از نمايش ناتمام "مذاکرات هسته‌اي"

☆ گرامی باد خاطره رفیق کاظم سلاحي! ☆

تاریخ شهادت: ۱۴ تير ماه ۱۳۵۰

روز دوم آوریل ۲۰۱۵ رسانه‌های امپریالیستی اعلام می‌کنند که وزرای امور خارجه‌ی کشورهای گروه ۵+۱ در مذاکره با وزیر امور خارجه‌ی رژیم جمهوری اسلامی در مورد چه‌گونه‌گی ادامه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای رژیم حاکم بر ایران به تفاهم رسیده‌اند و تا تاریخ ۳۰ ژوئن سال جاری متن توافق‌نامه‌ی قطعی را جهت تصویب نهائی تدوین خواهند کرد.  
ادامه در صفحه ۲

### از پراتیک (مبارزه مسلحانه) بیزارم!!

روایت عجیب و غریبی را می‌توان این‌روزها در دنیای مجازی رویت نمود. صراحت لهجه و بیان به کنار گذاشته شده است و موضع‌گیری‌ها شفاف نیست. هم‌چنین دو گانه‌گی عجیب و غریبی بر آدمیان حاکم شده است، نقدها و ردها برخاسته از جمع‌بندی کارها نیست و بیش‌تر با تمایلات حقیر شخصی و درونی انطباق دارد. راه و روش و گذشته‌ی ثمربخش و کارساز از یادها رفته است و در بهترین حالت (و توسط بعضاً افراد) دارد به حساب افکار و اعمال متعلق به تاریخ نوشته می‌شود.  
ادامه در صفحه ۵

## مقوله‌ی جنگ از دیدگاه کمونیستی

جنگ و قدمت آن بی‌تردید به وسعت و در امتداد تاریخ طبقاتی جامعه‌ی انسانی یعنی از آغاز تا انتهای آن موجود بوده و خواهد بود. از آن شامگاهی که جامعه‌ی بشری سر به سودای سود فردی سپرد و طی روندی به طبقات تقسیم گردید، از همان هنگام نیز مسئله‌ی جنگ و جدال طبقاتی انسان‌ها پدیدار گشته و با سیر رشد و تکامل جامعه، جنگ هم در همه‌ی ابعاد قابل تصور آن، رشد و توسعه یافته است.  
ادامه در صفحه ۶

### مطالب این شماره:

☆ پایان سگانسى طولانى از نمايش ناتمام "مذاکرات هسته‌اي" ☆

☆ از پراتیک (مبارزه مسلحانه) بیزارم!! ☆

☆ مقوله‌ی جنگ از دیدگاه کمونیستی ☆

## پایان سکانتسی طولانی از نمایش ناتمام "مذاکرات هسته‌ای"

سیاسی امپریالیست‌های آمریکا و اروپا قرار خواهند گرفت، همان نتایج بازی پشت پرده‌ی "تئاتر مذاکرات" است.

باز هم، در عرف سیاست بین دول، پس از اعلام پایان هرگونه مذاکراتی، قاعدتن یک تفاهم‌نامه‌ی مشترک از سوی تمام دول شرکت‌کننده در مذاکرات منتشر می‌گردد و طی آن مفاد مورد مفاهمه به اطلاع افکار عمومی رسانده می‌شود. اما در این مورد خاص، سه متن مختلف به عنوان تفاهم‌نامه از سوی آمریکا، اروپا و ایران منتشر می‌گردد. مضامین این که علاوه بر این تفاهم‌نامه‌ها، اسناد علنی نشده‌ای وجود دارند که به طور محرمانه در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار خواهند گرفت.

قدرت‌های امپریالیستی جهان که با صحنه‌آرایی و اجراء نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، فعالیت‌های هسته‌ای در ایران را به مدت ۱۲ سال به مهم‌ترین مسئله‌ی افکار عمومی جهان مبدل ساختند و اکنون نیز طی انتشار این تفاهم‌نامه‌ها، چه‌گونه‌گی جزئی‌ترین موارد فعالیت‌های هسته‌ای رژیم حاکم بر ایران یعنی تعداد سانتریفوژها، درصد غنی‌سازی، مقدار ذخائر اورانیوم و محل تأسیسات هسته‌ای را برای تمام جهانیان علنی می‌سازند، چه موارد دیگری برای‌شان باقی می‌ماند که آن‌ها را علنی نمی‌سازند و به طور محرمانه در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار می‌دهند؟

این که این "اسناد علنی‌نشده در یک نشست محرمانه در دست‌رس نماینده‌گان کنگره‌ی آمریکا و اعضاء اتحادیه‌ی اروپا قرار خواهند گرفت" به روشنی بیان‌گر این موضوع است که تفاهم واقعی میان آمریکا و اروپا از یک سو و روسیه از سوی دیگر، صورت گرفته است و برای هر کدام از شرکت‌های امپریالیستی منافع معینی در ایران در نظر گرفته شده است و از سوی هر کدام از این قدرت‌های امپریالیستی نیز جهت تأمین منافع‌شان، انجام وظائف معینی به رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سپرده شده است.

پس از اعلام تفاهم در ۲ آوریل ۲۰۱۵ روسیه بلافاصله فعالیت‌های اقتصادی خود را که در نتیجه‌ی فشارهای آمریکا متوقف ساخته بود، مجدداً از سر می‌گیرد.

به گزارش رویترز، روز دوشنبه ۱۳ آوریل ۲۰۱۵ سرگئی ربابکوف، معاون وزیر امور خارجه‌ی روسیه اعلام می‌کند که روسیه در برابر نفت ایران، غلات و تجهیزات ساختمانی به ایران ارسال می‌کند و دفتر مطبوعاتی کرملین اعلام ↓

گروه ۵+۱ متشکل از پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد یعنی آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه و کشور آلمان می‌باشد. این ۶ کشور، به عنوان قدرت‌مندترین کشورهای جهان، ظاهراً با یک موضع مشترک به مدت ۱۲ سال با رژیم جمهوری اسلامی در مورد فعالیت‌های هسته‌ای‌اش به اصطلاح به مذاکره می‌پردازند و بدین ترتیب با فریب افکار عمومی جهانی در اولین منظر چنین وانمود می‌سازند که گویا رژیم حاکم بر ایران به عنوان رژیمی مستقل از این قدرت‌های جهانی، درصدد دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای است.

در تاریخ سیاست بین اقوام، یا بین ملل و یا بین دول، همواره زمانی "مذاکره" صورت گرفته است که طرفین مناقشه از قدرت تقریبی یکسانی برخوردار بوده‌اند و برای احتراز از هزینه‌های انسانی و مادی یک جنگ طولانی مدت، سعی کرده‌اند مسائل‌شان را از طریق مذاکره حل بکنند. حال، این رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی دارای کدام قدرت اقتصادی و نظامی است که قدرت‌مندترین کشورهای جهان از ترس دستیابی این رژیم به سلاح‌های هسته‌ای به مدت ۱۲ سال با آن به مذاکره بنشینند؟

هنگامی که محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی رژیم جمهوری اسلامی که نقش دلچک این خیمه‌شب‌بازی را به عهده دارد، برای مصرف داخلی رژیم می‌گوید: "در جریان مذاکرات با گروه پنج به علاوه یک ما باور کردیم که آمریکا قدرقدرت نیست. اگر آمریکا قدرقدرت بود پای میز مذاکره با ایران نمی‌نشست. اما افتخار ما این است که با شش کشور مختلف مذاکره کنیم و نتوانند خواسته‌های‌شان را به ما تحمیل کنند" (مصاحبه‌ی زنده با شبکه‌ی اول رادیو تلویزیون دولتی رژیم حاکم بر ایران، ۴ آوریل ۲۰۱۵) دقیقن گوشه‌ای از این سمفونی جهانی را می‌نوازد!

پس از اعلام پایان سکانتس لوزان، در اوائل آوریل سال جاری روزنامه‌ی آلمانی Süddeutsche Zeitung می‌نویسد: "علاوه بر بیانیه‌ی وزرای امور خارجه، اسناد مورد توافق دیگری نیز وجود دارند که هنوز علنی نشده‌اند و در یک نشست محرمانه در دست‌رس نماینده‌گان کنگره‌ی آمریکا و اعضاء اتحادیه‌ی اروپا قرار خواهند گرفت."

بنابراین بازی اصلی، در پشت پرده‌ی این نمایش "مذاکرات هسته‌ای" در جریان است و این اسناد علنی نشده که به طور محرمانه در اختیار مقامات

زنده‌باد مبارزه‌ی مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی‌ست!



- در ادامه‌ی همین بازی، در سال ۲۰۱۲ دو بانک انگلیسی "استاندارد چارترد بریتانیا" و "اچ.اس.بی.سی" و همچنین بانک سلطنتی اسکاتلند مجبور به پراخت جریمه به آمریکائی‌ها می‌شوند.
- در آغاز سال ۲۰۱۴ شرکت‌های روسی جهت فرار از سیاست‌های بانکی دولت آمریکا، طی مذاکراتی با رژیم حاکم بر ایران طرح مبادله‌ی پایاپای کالا به جای نفت را ارائه می‌کنند.
- در آوریل ۲۰۱۴ هشت شرکت چینی با عنوان گروه شرکت سهامی بازرگانی و اقتصادی LIMMT از ادامه‌ی فعالیت در آمریکا محروم می‌شوند.
- در ۲۹ مه ۲۰۱۴ روزنامه‌ی "وال‌استریت ژورنال" گزارش می‌دهد که آمریکا، بانک بزرگ فرانسوی "بی ان پی پاریباس" (BNP Paribas) را ۸ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار جریمه کرده است و از اول ژانویه ۲۰۱۵ این بانک به مدت یک سال اجازه‌ی معامله با دلار را نخواهد داشت. این بالاترین جریمه‌ای است که تاکنون یک بانک خارجی در آمریکا مجبور به پرداخت آن شده است. در پی این اقدام آمریکا، لوران فابیوس، وزیر امور خارجه‌ی فرانسه اعلام می‌کند که "این کشور نمی‌تواند بپذیرد که آمریکا به عنوان یک شریک اقتصادی تنها بر اساس منافع خود عمل کند. این یک سؤال کاملن جدی است که آیا آمریکا می‌خواهد بر اساس همکاری متقابل عمل کند و یا اقدام‌های یک جانبه".
- روز پنج‌شنبه ۵ ژوئیه ۲۰۱۴ وزارت خزانه‌داری آمریکا شرکت هواپیمائی هلندی "فوکر" را به پرداخت ۲۱ میلیون دلار جریمه محکوم می‌کند.
- در ۷ نوامبر ۲۰۱۴ آمریکا بانک "توکیو میتسوبیشی" از ژاپن را به خاطر دور زدن تحریم‌های ایران به پرداخت جریمه‌ی ۳۱۵ میلیون دلاری محکوم می‌کند.
- در ۳۱ ژانویه ۲۰۱۵ خبرگزاری مهر در گزارشی از ↓

می‌کند که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه با امضای مصوبه‌ای انتقال موشک‌های زمین به هوای اس-۳۰۰ به ایران را امکان‌پذیر ساخته است.

همچنین، راولیل مگانوف، معاون شرکت "لوک اویل"، دومین شرکت بزرگ نفتی روسیه که از سال ۲۰۰۳ میلادی تحقیقات کارشناسی را در میدان نفتی اناران در غرب ایران آغاز کرده و در پی سیاست تحریم‌های اقتصادی آمریکا کار خود را متوقف کرده بود، روز چهارشنبه ۱۵ آوریل ۲۰۱۵ اعلام می‌کند که این شرکت، دفتر نماینده‌گی خود را در ایران بازگشایی کرده و فعالیت‌های خود را مجددن آغاز خواهد کرد.

با این که مقامات دولت‌های غربی، در طی تشدید تضادهای درونی خود بارها اعتراف کردند که رژیم جمهوری اسلامی توانائی ساخت سلاح‌های هسته‌ای را ندارد و دارای هیچ‌گونه سلاح هسته‌ای هم نیست، اما در بازی پشت پرده‌ی این تئاتر، سرمایه‌های امپریالیستی آمریکا در رقابت با سرمایه‌های امپریالیستی اروپائی و روسی چند هدف مشخص را دنبال می‌کردند.

یکی از این اهداف، متوقف ساختن فعالیت‌های سرمایه‌های غیرآمریکائی در ایران بود. دولت آمریکا با وارد کردن سیاست تحریم دولت ایران به صحنه‌ی تئاتر مذاکرات، موفق می‌شود فعالیت بسیاری از شرکت‌های غیرآمریکائی را در ایران متوقف بسازد.

- در مارس ۲۰۰۶ فعالیت‌های تعدادی از شرکت‌های بزرگ نفت و گاز غیرآمریکائی در ایران هم‌چون "استات اویل هیدرووی" نروژ، "انی" ایتالیا، "شل" انگلیس و "توتال" فرانسه به نفع سرمایه‌های آمریکائی متوقف می‌شوند.

- در سال ۲۰۰۷ فعالیت شرکت "پتروبراس" برزیل در اربان متوقف می‌شود.

- در همین سال در راستای فشارهای خصمانه‌ی آمریکا، سومین بانک بزرگ آلمانی "درسدنر بانک" پس از قطع همکاری "دویچه بانک" و "کامرز بانک" مجبور می‌شود ارتباط مالی و تجاری خود را با ایران قطع بکند.



و از این پس نه فقط نقش ژاندارم خلیج، بلکه نقش ژاندارم کل منطقه‌ی خاورمیانه و آسیای مرکزی را برای شرکت‌های آمریکائی ایفاء خواهد کرد.

روز دوشنبه ۲۰ آوریل ۲۰۱۵ روزنامه‌ی نیویورک تایمز مطلبی را با عنوان "پیامی از ایران" از محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی رژیم جمهوری اسلامی منتشر می‌سازد.

دلچک خیمه‌شب‌بازی مذاکرات می‌گوید: "ایران برای تعامل سازنده بسیار فراتر از موضوع هسته‌ای آماده‌گی دارد و مایل است برای حل مشکلات منطقه‌ی خلیج فارس و اطراف آن با صاحبان منافع در منطقه همکاری کند. موضوع هسته‌ای، عارضه‌ی بی اعتمادی و تضاد است و نه دلیل آن. با توجه به پیشرفت‌های اخیری که در مهار این عارضه به دست آمده، وقت آن است که ایران و سایر صاحبان منافع در منطقه‌ی خلیج فارس و اطراف آن توجه خود را به عوامل بروز تنش در این منطقه معطوف کنند. ما چنین امکانی را داریم که ... به بحران ساخته‌گی فعلی پایان دهیم، تا بتوانیم به کارهای مهم‌تری که باید انجام شوند پردازیم. در حال حاضر، منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس در ناآرامی به سر می‌برد. اینک زمان آن رسیده است که ایران و دیگر کشورهای منطقه به ریشه‌های اصلی بی‌اعتمادی و تنش در منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس پردازند. در هیچ نقطه‌ای از دنیا اهمیت این ساز و کارها مشهودتر از منطقه‌ی خلیج فارس نیست. یکی از موضوعات ضروری و فوری در میان فجایع جاری در منطقه ما یمن است." (تاکیدها از ماست)

همان طور که ملاحظه می‌شود این دلچک خیمه‌شب‌بازی، زمینه‌سازی ذهنی را برای نقش رژیم حاکم بر ایران پس از پایان این سکانس طولانی از نمایش "مذاکرات هسته‌ای" آغاز کرده است و دقیقن به این موضوع می‌پردازد که مأموریت رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی از این پس حفظ منافع صاحبان منافع در منطقه‌ی وسیع‌تر خلیج فارس خواهد بود.

همچنین روز سه‌شنبه ۲۸ آوریل ۲۰۱۵ "فدریکا موگرینی"، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا نیز این موضوع را تأیید کرده و می‌گوید: "موفقیت مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱، موجب تقویت نقش منطقه‌ای ایران خواهد شد."

بنابراین، "مذاکرات هسته‌ای" میان نماینده‌گان گروه ۵+۱ و رژیم حاکم بر ایران صرفن حول فعالیت‌های هسته‌ای رژیم جمهوری ↓

توقف پروژه‌ی "ایران‌الان‌جی"، تنها کارخانه‌ی تولید گاز مایع طبیعی (الان‌جی) در عسلویه خبر داد. به گفته‌ی علیرضا کاملی، مدیر عامل شرکت ملی صادرات گاز ایران، دلیل این توقف، عدم ارسال برخی تجهیزات فنی است که توسط یک شرکت آلمانی تهیه شده است و بدین ترتیب یک شرکت آلمانی نیز به نفع سرمایه‌های آمریکائی از غارت منابع ملی ایران کنار گذاشته می‌شود.

چنانچه ملاحظه می‌شود یکی از اهداف اجراء این پرده از نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، محدود ساختن فعالیت‌های شرکت‌های غیرآمریکائی در ایران به نفع شرکت‌های آمریکائی بوده است که همواره ادامه داشته و هنوز هم ادامه دارد.

یکی دیگر از اهداف شومی که سرمایه‌های غربی به موازات اجراء تئاتر مذاکرات دنبال می‌کردند بحران سازی و تشدید بحران در منطقه‌ی خاورمیانه بود که زمینه را برای چند لشکرکشی امپریالیستی و حضور نظامی مستقیم ارتش‌های امپریالیستی در منطقه و صادرات محموله‌های عظیم سلاح به کشورهای این منطقه را فراهم ساخت.

یکی دیگر از کارکردهای این نمایش "مذاکرات هسته‌ای"، گسترش و تقویت این توهم بود که گویا تمام مشکلات اقتصادی و اجتماعی موجود در ایران نتیجه‌ی دشمنی قدرت‌های غربی با این رژیم است.

با این که حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی محصول توافق و تصمیم قدرت‌های غربی بود، ولی از آغاز مأموریت خویش، همواره این توهم را در میان توده‌های تحت ستم ایران دامن زده است و این بار نیز به همراه اربابان خود، با پیش‌برد نمایش "مذاکرات هسته‌ای" این توهم را هرچه بیش‌تر دامن زده و تقویت نموده است.

همان طور که گفته شد در پشت پرده‌ی تئاتر "مذاکرات هسته‌ای"، سناریوئی محرمانه و غیرعلنی در حال تنظیم شدن بوده است.

بر اساس این سناریو، پس از پایان شعبده بازی مذاکرات، رژیم حاکم بر ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای از قوطی بیرون برآمده



به بیانی و دهه‌هاست که جنبش‌های اعتراضی ایران دارند در زیر ماشین سرکوب نظام له و لورده می‌شوند و هزینه می‌دهند و در تقابل، عنصر و نیروی به اصطلاح مدافعی وی، در پی تخطئه و خالی نمودن محتوای روش‌های مبارزاتی ثمربخش و پایانی‌ست؛ روش‌های مبارزاتی که همه‌ی نظام‌ها و از جمله سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، از انجام و از سرگیری آن از جانب نیروهای کمونیستی و مدافعی مردمی ترس و واهمه دارند. مگر بیهوده و بی‌دلیل است که این‌روزها سرمایه‌داران بین‌المللی دارند با راه‌اندازی دسته‌جات مسلح و جنگ‌های ارتجاعی، مانع نضج و رشدیابی اعتراضات رادیکال و جنبش‌های مسلحانه‌ی توده‌ای می‌شوند؟ بنابراین، تنها پاسخ به افسار گیسخته‌گی سرمایه، تنها پاسخ به ددمنشی‌ها و سرکوب‌گری‌های وحشیانه و دائمی رژیم‌های خشنی هم‌چون رژیم جمهوری اسلامی، در انتخاب پراتیک مسلحانه و در رد سیاست مصلحانه است. سیاست مصلحانه‌ای که باعث گردیده است تا جامعه و جنبش کمونیستی را به عقب بر گرداند.

باور بر آن است که اتخاذ هرگونه سیاست و تاکتیک مبارزاتی و بسیج‌کننده‌ی توده‌ای، بر گرفته از سیاست‌ها و روش‌های انتخابی طبقات حاکم و زورگوست؛ باور بر آن است که بدون درک صحیح از قانون‌مندی‌های حاکم بر جامعه نمی‌توان راه‌های سودمند و پایانی را شناخت و جامعه را به مسیر بالنده‌گی و سازنده سوق داد؛ باور بر آن است که بدون نگاه و جمع‌بند حقیقی از پیامدهای اعتراضی - توده‌ای، نمی‌توان وظایف کمونیستی را ترسیم نمود.

در شرایطی که نظام‌های سرمایه‌داری و مسلح، مانع کوچک‌ترین اعتراضات و اعتصابات کارگری‌اند؛ در شرایطی که حاکمان، در هر کوی و برزنی، دارند با توسل جستن به سلاح حکمرانی می‌کنند؛ در شرایطی که چوبه‌های دار هم‌چنان بر فضای جامعه‌ی مان سنگینی می‌کند، چگونه می‌توان به رد و نفی پراتیکی نشست که ثمره‌ی آن از جانب گرایش‌های متفاوت، نه تنها قابل انکار نیست، بلکه ستایش برانگیز می‌باشد. منطقی و در این میان وظیفه‌ی کمونیست‌ها، روشن‌گری و ارائه‌ی راه‌جویی‌های عملی رو در روی جنبش‌های اعتراضی درون جامعه است. سیاست و تاکتیک که بیش از سه دهه‌ای‌ست که نیروهای کمونیستی - انقلابی از آن‌ها فاصله گرفته‌اند.

شوربختانه نزدیک به چهار دهه‌ای‌ست که از عمر حاکمیت ننگین و خشن جمهوری اسلامی می‌گذرد؛ نزدیک به چهار دهه‌ای‌ست که سران نظام، به یمن سلاح توانسته‌اند مردم، کارگران و زحمت‌کشان را مورد ضرب و شتم قرار دهند؛ هم‌چنین نزدیک به چهار دهه‌ای‌ست که میادین طبقاتی خالی از نیروهای کمونیستی سازمان‌یافته است و در این‌ثناء، هیچ نیرو و یا سازمان کمونیستی‌ای پاسخ‌گو نیست. در حقیقت به همان اندازه‌ای که سران حکومت و با توسل جستن به ابزارهای متفاوت، در صدد حفظ و بقای منحوس‌اش می‌باشند، به‌همان اندازه هم، نیروهای مخالف طبقاتی وی، در پی حفظ و "بقا"ی خویش‌اند؛ حفظ و بقای که از یک‌سو باعث گردیده است تا بر عمر سران نظام بی‌افزاید، و از سوی دیگر، انرژی جنبش کمونیستی را به‌هرز برد. این سیمای سیاسی جامعه‌ی ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی‌ست، جامعه‌ی بسته‌ای که، تشنه‌ی تغییر، تشنه‌ی انجام پراتیک از جانب مدافعین خود و تشنه‌ی در هم ریختن توازن قواست. بنابراین مخالف با ایده‌ی دگرگون‌ساز و مخالفت با سیاست تعرضی - یعنی پراتیک بسیج‌کننده و مسلحانه - نادرست ↓

اسلامی صورت نگرفته است، بلکه "نقش منطقه‌ای ایران" نیز مورد مذاکره بوده است و نتایج مذاکره حول این موضوع نیز همان اسناد محرمانه و غیرعلنی هستند که در اختیار مقامات آمریکائی و اروپائی قرار گرفته است و این موضوع، یک‌بار دیگر سرسپرده‌گی همه‌جانبه‌ی رژیم حاکم بر ایران را به اربابان امپریالیست‌اش به‌عینه نشان می‌دهد.

## از پراتیک (مبارزه مسلحانه) بیزارم!!

ادامه از صفحه ۱

نقد و استدلال پایه‌ای وجود نه‌دارد و بیش‌تر در هم‌سوئی با فضای سیاسی حاکم بر دنیای کنونی و آغشته به تفکرات "زفرمیستی" و "اصلاح‌طلبی"‌ست. معین است که چنین افراد و افکاری بر خود نه‌دانسته - و یا نمی‌دانند - تا با ارائه‌ی دلیل و برهان افکار گذشته‌گان را به نقد کشند و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، "تره‌های نوین" و راه‌کارهای عملی منطبق با دنیای امروزی‌شان را ارائه دهند. در "فرهنگ" آنان، می‌توان رد نمود و در عوض از ارائه‌ی دلیل سر باز زد؛ می‌توان خود را متعلق به آنان دانست و در عوض، از پایه‌ی‌ترین باورهای عملی‌شان - و آن‌هم در حوزه‌ی نظری - به‌دور ماند؛ می‌توان به تجلیل از عمل‌کرد تأثیرگذار گذشته‌گان پرداخت و در عوض، کم‌ترین هم‌سوئی سیاسی - تئوریک با آنان نه‌داشت.

شوربختانه سرمایه به‌دلیل عکس‌العمل نامناسب و بی‌تحرکی مدافعین منفعت مردمی، اثر بس عظیمی بر افکار جریان‌ات و آدمیان بر جای گذاشته است و به دنباله، محتوای واژه‌ها و چگونه‌گی راه و روش براندازی نظام‌های سرمایه‌داری وابسته و مسلح هم، دارد به‌گونه‌ای دیگر تعریف می‌گردد. دارند مردم را به ناکجاآباد، به مسیر بی‌هویتی و هم‌چنین به سمت تحمل هزینه‌ی بیش از این، سوق می‌دهند. برآستی کدام کمونیست و مدعی منافع‌ی میلیون‌ها انسان ندارد، مبلغ و مروج چنین افکاری‌ست؟ چگونه می‌توان و می‌شود انقلاب را، توسط و به‌همراه جناح‌های رنگارنگ سرمایه و در هم‌سوئی با جنبش‌های "اصلاح‌طلبی" حکومتی، و یا با رنگ‌ها و پرچم‌های متعلق به سرمایه، به سر انجام رساند؟ مگر تاکنون هیچ انقلابی در اثر فعالیت‌های "مدنی" و یا با "گفتمان سیاسی" و در هم‌سوئی با جناح‌های رقیب حکومتی به سر انجام رسیده است؟ نمونه‌های تاریخی را می‌توان در کجاها جست و بدان‌ها دل بست؟ آیا پراتیک و عکس‌العمل‌های سرمایه‌داران و آن‌هم در اقصی نقاط دنیا، مبین این امر نیست که نمی‌توان بدون پا در میانی عملی کمونیستی، حقوق پایه‌ای کارگران و زحمت‌کشان را تضمین نمود؟ مگر در عمل به اثبات نه‌رسیده است که دولت‌ها و حکومت‌های کنونی اصلاح ناپذیراند و مستحق نابودی‌اند؟ مگر پراتیک کمونیست‌های دهه‌های دور و هم‌چنین مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مردم کوبانی - در چند ماهه‌ی گذشته - به اثبات نه‌رسانده است که زمانی می‌توان از کار سازنده و ثمربخش سخنی به‌میان آورد که با نیروی سازمان‌یافته و مسلح در برابر رژیم‌های هار و درنده به‌میدان آمد؟



اگر بخواهیم تعریفی خلاصه و رسا از جنگ ارائه دهیم، بایستی به تعریف داهیانوی لنین از این مقوله اشاره کنیم که می‌گوید: "جنگ ادامه‌ی سیاست" و "سیاست بیان فشرده‌ی اقتصاد است".

نکته‌ی بسیار مهم و اساسی در این مورد این است که جنگ‌ها در عرصه‌ی اجتماعی در سراسر این دوره‌ی تاریخی از حیات جامعه‌ی انسانی که پیش‌تر به آن اشاره شد، به طور کلی به دو شاخه یا گونه‌ی اصلی و کاملاً متضاد تقسیم می‌شوند. یکی **جنگ‌های ناعادلانه و ضدانقلابی** و دیگری **جنگ‌های عادلانه و انقلابی**.

در دوران معاصر، جنگ‌هایی که امپریالیست‌ها و دست‌نشانده‌گان و مرتجعین بومی‌شان بر علیه توده‌های کارگر و زحمت‌کش و به طور کلی خلق‌های تحت‌ستم در بسیاری از مناطق جهان به راه می‌اندازند، جنگ‌هایی از نوع ضدانقلابی‌اند که در جهت به بند کشیدن و استثمار آنان و همچنین به یغما بردن منابع طبیعی و انسانی آن‌ها به پا می‌شوند.

ناگفته نماند که در اکثر موارد، این گونه جنگ‌ها حتا با مخالفت ورزیدن شدید و وسیع توده‌ها و وجود جنبش قوی و سازمان‌یافته‌ی ضدجنگ نیز، توسط امپریالیست‌ها و ایادی‌شان به اجراء در می‌آیند.

در عین حال و در همین دوران، ما جنگ‌های انقلابی خلق‌های مبارز بر علیه امپریالیست‌ها و نوکران داخلی‌شان را از جمله در چین، کُره، ویتنام، نپال و دیگر نقاط جهان داریم که در راستای آزادی، استقلال و رهائی از استثمار و قیدبندهای نظام ظالمانه‌ی سرمایه‌داری انجام شده‌اند و به همین دلایل نیز عادلانه و انقلابی‌اند. این گونه جنگ‌ها علاوه بر خواست امپریالیست‌ها و حکومت‌های مرتجع وابسته به آنان، توسط توده‌های کارگر و زحمت‌کش و انقلابیون کمونیست شکل گرفته و پیش‌برده می‌شوند.

تاریخ یکصدساله‌ی اخیر جامعه‌ی انسانی مملو از جنگ‌هایی است که در هر دو شکل آن بارها اتفاق افتاده و برای کسانی که حافظه‌ی تاریخی دارند و یا اگر ندارند، چشمی برای دیدن و فهم و شعوری برای درک کردن داشته باشند، حاوی درس‌های بزرگی است. برای نمونه، ما در ذیل فقط به چند مورد آن و برخی زوایای آن‌ها اشاره می‌کنیم.

جنگ جهانی اول، علاوه بر خواست توده‌های کارگر و زحمت‌کش و پیشقراولان کمونیست آن‌ها، بر اثر رشد تضادهای فی‌مابین امپریالیست‌ها و به جهت ضرورت تقسیم مجدد جهان از سوی آن‌ها شکل گرفت. در همان مقطع، آن دسته از اپورتونیست‌هایی که به ظاهر جامعه‌ی کمونیستی بر تن کرده و در انترناسیونال دوم گرد آمده بودند، با اتخاذ موضعی که ↓

به حساب آمده و هم‌چنین به خطا خواهیم رفت اگر افکار مردمی و جنبش‌های اعتراضی را به مسیر روش‌های ناسرانجام و به سمت مبارزات مدنی هزینه‌پرداز سوق دهیم!

براستی و آیا صلاح‌ست تا بیش از این به تبلیغ ایده‌ی "مبارزه‌ی مدنی" غیرسودمند و امثالهم پرداخت و بر این نظر اصرار داشت که انجام پراتیک سودمند و مسلحانه و آن‌هم در تقابل با رژیم‌های هار، خشن و سرکوب‌گری هم‌چون جمهوری اسلامی ناصحیح‌ست؟ مضافاً کدام جامعه و جنبش اعتراضی را می‌توان شاهد گرفت و نشان داد که مردم توانسته‌اند با چانه‌زنی و در هم‌سوئی با جناح‌های رقیب حکومتی و یا با "گفتمان سیاسی و مدنی" به حقوق پایه‌ای خود دست یابند و جامعه را از شر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های موجود نجات دهند؟

مطمئناً اسناد و شواهد، در خلاف این‌گونه "نظریه" هاست و خواننده و دیده‌ایم که هزینه‌ی این‌نوع کارها به‌مراتب سنگین‌تر و بالاترست. دیده‌ایم که زبان به تنهائی قدرت بسیج کننده ندارد و به‌طور نمونه، به ثمره‌ی جنبش‌های اعتراضی "مدنی" اقصا نقاط دنیا - و بویژه به منطقه‌ی خاورمیانه - و هم‌چنین به نتایج جنبش مسلحانه‌ی کُردستان و آن‌هم در چند ساله‌ی اول حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی و به تبعی آن‌ها، به جنبش مسلحانه‌ی چند وقت قبل کوبانی - و علی‌رغم تمامی نارسائی‌های سیاسی، عملی‌شان - نگاهی بی‌اندازیم و این سؤال را در مقابل خود قرار دهیم که آیا تضمین و ضمانت هرگونه مبارزه‌ی سالم و رادیکال، در گرو انتخاب پراتیک کمونیستی، در گرو انتخاب سیاست مستقل از جناح‌های رقیب حکومتی - دولتی و مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، در پی‌گیری سیاست‌های عملی جنبش مسلحانه‌ی کُردستان و جنبش کوبانی نیست؟ و ...

خلاصه‌ی کلام این‌که، نمی‌توان روزی در وصف جنبش مسلحانه و ثمربخش کوبانی گفت و نوشت و روزی دیگر، این‌دست پراتیک را لعن و نفرین نمود. پُر واضح است که سیاست یک بام و دو هوا، سیاست نادرستی‌ست و کمکی به جامعه و به نسل جوان امروزی نمی‌کند. علاوه بر همه‌ی این‌ها، خط بطلان کشیدن بر تئوری نوین انقلاب و بیزاری از پراتیک ثمربخش - یعنی مبارزه‌ی مسلحانه - و در عوض، هم‌سو شدن فکری - عملی با جنبش‌های اصلاح‌طلبی و دیگر رنگ‌های سرمایه، پاسخ‌گوی معضلات و مشکلات عدیده‌ی میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش نبوده و نیست و بدون کم‌ترین تردیدی، تبلیغ این‌دست سیاست‌ها و شیوه‌های فعالیتی، برای جوامع‌ای هم‌چون جامعه‌ی ایران، سم به حساب آمده و انجام و زمان انقلاب توده‌ای را به تأخیر خواهد انداخت.

**شباهنگ راد**

**مقوله‌ی جنگ از دیدگاه کمونیستی**

ادامه از صفحه ۱

انجام داده اند. **خائنین "توده ای - اکثریتی"** و بسیاری از جریان‌ها مدعی چپ و کمونیزم به دنبال بورژوازی وابسته‌ی شوونیست روان گشته و نه تنها توده‌ها را به شرکت در جنگ ترغیب می‌نمودند، بلکه نیروهای خود را عملن به صف کرده و با شعار **"سپاه پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید"**، روانه‌ی به اصطلاح **"جبهه‌های جنگ مقدس میهنی"** کردند. جنگی که در واقع نه فقط هیچ ربطی به منافع توده‌های کارگر و زحمت کش نداشت، بلکه دقیقین در راستای تباهی هرچه بیشتر و محکم‌تر کردن زنجیرهای اسارت آنان بود.

اینک نیز در پی پایان **"جنگ سرد"** که در واقع نه یک جنگ واقعی، بلکه رقابتی تسلیحاتی - سیاسی بین **"غرب و شرق"** بود و جنگ‌ها به جز چند مورد عمدتاً نیابتی بودند، امپریالیسم آمریکا و شرکاء یعنی دیگر راهزنان بین المللی به دلایل مختلف، ولی همواره ضرور برای نظام سرمایه‌داری جهانی بر طبل جنگ، چه جنگ مستقیم و چه نیابتی، می‌کوبند. آن‌ها از طریق دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی خویش، احتمال وقوع یک جنگ دیگر در منطقه‌ی استراتژیک خاورمیانه و این بار با ایران را در افکار عمومی زمینه سازی می‌نمایند.

جالب این که این روزها اپورتونیست‌ها، از جمله جریان کوتوله‌ی **"توفان"** که بیشتر به **"بادی نحیف و موسمی"** می‌ماند، بسیار **"پیشرفته!"** و **"آینده نگرا!"** شده اند و قبل از این که حتا **جنگ صورت واقعیت به خود گرفته باشد**، اینان به پشتیبانی از ارتجاع حاکم در برابر **"قوای بیگانه"** به **"جبهه‌ی جنگ میهنی"** رفته‌اند و سخت مشغول خاک پاشیدن به چشم توده‌ها در این ننگ تاریخی خویش هستند!

باری، در خاتمه بایستی تأکید کنیم که کمونیست‌ها یعنی مارکسیست - لنینیست‌ها نمی‌توانند صرفن بر علیه هرگونه جنگی باشند و خود و توده‌ها را با ادا و اطوارهای ... گول بزنند، بلکه بایستی از موضعی پُر قدرت به تبلیغ، ترویج و سازماندهی جنگ انقلابی و عادلانه‌ی خلق بر علیه رژیم و اربابان آن پردازند و در صورت تحمیل یک جنگ ناعادلانه و ضدانقلابی به خلق‌های ایران، باید آن را به جنگ داخلی یعنی جنگی عادلانه و انقلابی بر علیه امپریالیست‌ها و رژیم منحوس وابسته‌ی جمهوری اسلامی تبدیل نمایند. به عبارت دیگر وظیفه‌ی انقلابی، مبرم و حیاتی کمونیست‌ها و توده‌های مبارز در چنان وضعیتی نیز، جنگیدن با هر دو سر ارتجاعی و ضدانقلابی آن جنگ و همچنین مبارزه با اپورتونیست‌ها و رویزونیست‌ها این عوامل رخنه کرده‌ی بورژوازی در جنبش کارگری و کمونیستی می‌باشد. مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، جدا از مبارزه با اپورتونیسم و رویزونیسم نیست!

### پویان کبری

نتیجه‌ی درک غلط و غیر کمونیستی‌شان از مقوله‌ی جنگ بود، نهایتن به دامان **"ناسیونالیسم و میهن پرستی کورکورانه"** درغلتیدند و بدین وسیله در راستای **تحکیم ارتجاع حاکم** بر کشورهای خویش گام برداشتند.

در آن میانه، تنها جریانی که درکی درست از قضایا داشت و به همین دلیل هم به بی‌راهه کشانیده نشد، بلشویک‌ها بودند. آن‌ها به رهبری لنین، متفکر بزرگ تاریخ انقلابات اجتماعی، در برخورد به این مسئله توانستند با درکی کمونیستی، نه تنها مواضعی بی‌نهایت انقلابی اتخاذ نمایند، بلکه در عمل جنگ امپریالیستی را به جنگ داخلی تبدیل نموده و به نفع انقلاب از آن استفاده نمایند.

لنین در مقاله‌ی **"جنگ و سوسیال دموکراسی"** وظایف کمونیست‌ها را در قبال جنگ امپریالیستی جهانی اول چنین برمی‌شمارد: **"وظیفه‌ای که در برابر سوسیال دموکراسی قرار دارد، قبل از همه این است که این معنای حقیقی جنگ را آشکار نماید و اکاذیب و سفسطه‌جویی و عبارت پردازی "میهن پرستانه‌ی" را که طبقات حکمفرما یعنی ملاکان و بورژوازی برای مدافعه از جنگ اشاعه می‌دهند، بی‌رحمانه فاش سازند"**.

وی در همان جا می‌گوید که: **"تبدیل جنگ امپریالیستی معاصر به جنگ داخلی یگانه شعار صحیح پرولتاریائی است که تجربه کمون آن را نشان داد و "قطعنامه‌ی بال" (۱۹۱۲) آن را قید نموده ... هر اندازه دشواری یک چنین تبدیلی در حال یا در همان لحظه عظیم به نظر آید، باز هم در شرایطی که جنگ صورت واقعیت به خود گرفته، سوسیالیست‌ها هرگز از کار تدارکاتی منظم و مصرانه و مداوم در این زمینه امتناع نخواهند ورزید. تنها از این طریق است که پرولتاریا می‌تواند خود را از چنگ وابستگی به بورژوازی شوونیست برهاند و به شکل‌های گوناگون و با سرعتی زیاد یا کم در راه آزادی واقعی خلق‌ها و در راه سوسیالیسم با گام‌های مصمم پیش رود"**. (تأکیدها از من است.)

جنگ ایران و عراق نیز نمونه‌ی دیگر از جنگ‌های ارتجاعی و ناعادلانه بود که توسط امپریالیست‌ها و دول وابسته‌ی این دو کشور شکل گرفت. این جنگ اساسن در راستای منافع سرمایه جهانی، سرکوب توده‌های به پا خواسته و تحکیم پایه‌های رژیم مرتجع جمهوری اسلامی که آن را به تازه‌گی بر سر کار گمارده بودند و ... بر پا شده بود.

این بار هم گرچه به تناسب اندازه و در مقیاس خود این جنگ، اما به هر حال **اپورتونیست‌ها و رویزونیست‌ها، این نوکران بی‌جیره و موجب بورژوازی**، همان کاری را کردند که در مقطع جنگ جهانی اول و دیگر مقاطع حساس تاریخ مبارزات انقلابی خلق‌های جهان همواره



جاودان باد خاطره‌ی تابناک شهدای زیر و مرداد ماه چریک‌های فدائیان خلق ایران!



گرامی باد یاد شهدای ۸ تیر ۱۳۵۵

★ مقالات بدون امضاء از سوی شورای نشر به می‌باشند. ★

برای ارتباط با ما، با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:

Post: Postbus 10492

1001 EL Amsterdam, Nederland

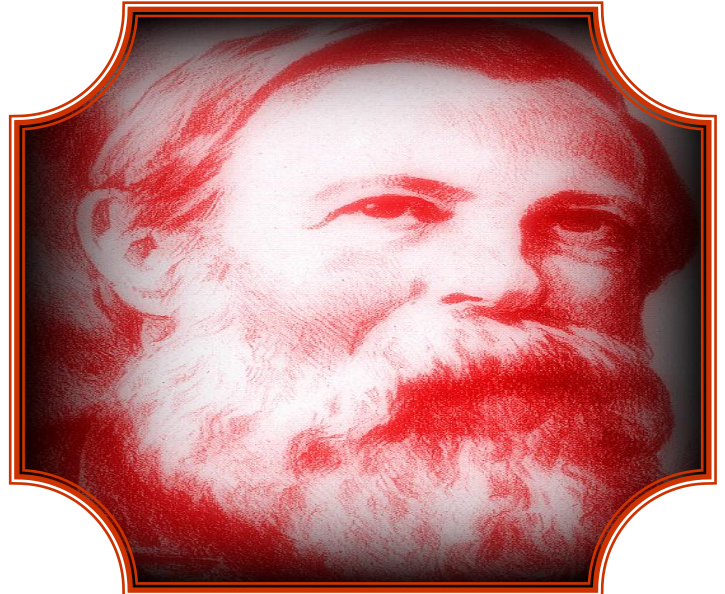
TEL.: +31 624 797 133

E-Mail: pouyan@19bahman.ne

Web site: <http://www.19bahman.net>

با کمک‌های مالی خود و ارانه‌ی هرگونه سؤال، نظر، انتقاد و پیشنهاد، ما را در انجام وظایفمان یاری رسانید.

به مناسبت یکصد و بیستین سالگرد درگذشت انگلس، آموزگار و رهبر کبیر پرولتاریای جهان!



خجسته باد هشتاد و هفتمین سال تولد انقلابی کبیر ارستو چه‌گوارا!!

رفقای گرامی!

با ارسال مقالات و مطالب خود، ما را در غنای بیش‌تر نشریه یاری رسانید. بدیهی است، مطالبی در نشریه منتشر خواهند شد که در راستای اهداف و وظائف مبارزاتی سازمان ۱۹ بهمن قرار داشته باشند. از اصلاح املائی و انشائی مطالب رسیده معذور می‌باشیم.

